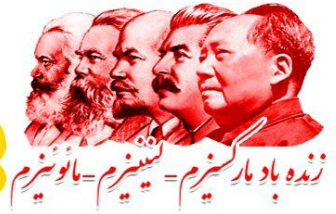




حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان Communist (Maoist) Party of Afghanistan (CMPA)

استراتژی مبارزاتی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان برای پیروزی انقلاب دموکراتیک نوین در کشور عبارت است از استراتژی جنگ خلق. (اساسنامه مصوب سومین کنگره سراسری حزب)



چهارمین پلنوم سومین دور کمیته مرکزی

حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان با موفقیت برگزار گردید.

چهارمین پلنوم دور سوم کمیته مرکزی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان با شرکت اکثریت اعضای اصلی و علی‌البدل کمیته مرکزی حزب موفقانه تدویر یافت. تنها یکی از اعضای اصلی کمیته مرکزی به علت مریضی که داشت؛ نتوانست در پلنوم شرکت نماید. اما پیام خود را ضم گزارش به حمایت از پلنوم چهارم دور سوم کمیته مرکزی ارسال نمود.

پلنوم چهارم دور سوم کمیته مرکزی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان با پخش سرود انترناسیونال آغاز گردید و تمامی رفقای حاضر در محفل به پا خاسته و سرود را همراهی کردند و پس از سکوت دو دقیقه‌یی به یاد رفیق ضیاء، رفیق عزیز، رفیق حفیظ، رفیق سلیم، رفیق مومند، رفیق کریم الله، رفیق فرهاد، رفیق وثوق، رفقای پشه‌ائی و رفیق ظاهر و هم‌چنان جان‌باختگان راه مائوئیزم، پلنوم چهارم به کار خود آغاز نمود.

مقدمتا پلنوم با ارائه گزارشات توسط رفیق ل. شروع گردید. رفیق ل. از رفقا تقاضا نمود تا درین پلنوم روی فیصله هائی که جنبه عملی بخود گرفته و جنبه‌هایی که عملی نگردیده با دقت بحث و تبادل نظر نمایند تا برای رفع کمبودات و نواقص آن بطور جدی بکوشیم.

متعاقب آن گزارشات کاری یک ساله حزب توسط یک تن از رفقای دفتر سیاسی به پلنوم ارائه گردید. سپس سائر اعضای دفتر سیاسی و هم‌چنان بعضی از رفقای کمیته مرکزی (مسئول کمیته‌های منطقه‌یی) گزارشات تکمیلی شان را ارائه دادند. پس از آن بحث و تبادل نظر در مورد گزارشات ارائه شده توسط تمامی رفقای شرکت کننده در پلنوم پیش برده شد و نتیجه‌گیری‌های نهایی به اتفاق آراء به تصویب رسید. موضوعاتی که به عنوان نکات اصلی اجندای بحثی در پلنوم پیش‌نهاد گردید عبارتند از:

1. در مورد استحکام و گسترش حزب
2. در مورد کمیته‌های منطقه‌یی
3. در مورد زنان
4. در مورد کمیته روابط بین‌المللی
5. در مورد مسائل مالی حزب
6. در مورد مبارزه ایدئولوژیک - سیاسی علیه خطوط انحرافی

1 - در مورد استحکام و گسترش حزب:

چرا زمانی که بحث بر سر استحکام حزب به وجود می‌آید، پای گسترش حزب نیز به میان می‌آید؟ زیرا، استحکام و گسترش حزب لازم و ملزوم یک‌دیگر اند. گاهی نظر به شرایط، استحکام عمده و گسترش غیر عمده می‌گردد و گاهی برعکس؛ وقتی از استحکام حزب صحبت می‌نمائیم، منظور ما استحکام ایدئولوژیک - سیاسی و تشکیلاتی حزب است. و برای گسترش حزب باید تشکیلات را وسعت دهیم، زیرا گسترش حزب به مفهوم گسترش تشکیلات حزب است که متکی به استحکام ایدئولوژیک - سیاسی - تشکیلاتی است که باید مدنظر گرفته شود. چه زمانی حزب از لحاظ ایدئولوژیک - سیاسی و تشکیلاتی خود استحکام پیدا می‌کند؟ رفقا به درستی می‌دانند که مبارزات پراتیکی و تیوریکی حزب منتج به استحکام ایدئولوژیک - سیاسی و تشکیلاتی حزب می‌گردد. هر قدر که مبارزات پراتیکی و تیوریکی حزب به شکل اصولی و جدی پیش برده شود، به همان اندازه حزب گسترش می‌یابد.

ما در هر پلنوم روی استحکام و گسترش پافشاری نموده‌ایم که شکل‌گیری و استحکام سازمان انقلابیون حرفه‌ای در حزب، باعث استحکام و گسترش تشکیلات حزب خواهد شد؛ لنین در این مورد چنین می‌گوید:

«برای این که بتوانیم مبارزه منظمی را بر علیه حکومت رهبری کنیم، مجبوریم که سازمان انقلابیون، انضباط و فنون کار مخفی را به بالاترین درجه تکامل برسانیم، ضروری است که تک تک اعضای حزب و یا گروه‌های عضو درباره امور مختلف حزب تخصص یابند، عده‌ای در امر چاپ و نشرات، عده دیگر در امر وارد کردن آن‌ها از مرز، گروه سوم برای توزیع آن‌ها در داخل روسیه، گروه چهارم برای پخش آن‌ها در شهرها، گروه پنجم برای تهیه محلات جلسات مخفی، گروه ششم برای جمع‌آوری پول، گروه هفتم برای رساندن مکاتبات و کلیه اخبار به جنبش و گروه هشتم برای حفظ برقراری ارتباطات و غیره چیزهای بی‌شمار دیگر. ما می‌دانیم که چنین تخصصی نیاز به خود داری به مراتب بیشتر، نیاز به قابلیت‌های به مراتب برای تمرکز در کارهای روزمره کوچک و کم‌اهمیت که به چشم نمی‌آیند و نیاز به مراتب بیش‌تری، به قهرمانی واقعی تا کار محفلی دارد.» (لنین - گزیده مقالات درباره نشریات و تشکیلات کارگری - صفحه هفتم)

هدف لنین از سازمان انقلابیون، همان سازمان حرفوی‌ها است. در گام نخست ما باید تلاش جدی برای ایجاد چنین سازمان درون حزبی بنمائیم. پلنوم چهارم روی این اصل لنینیستی تاکید به عمل آورد تا مبارزات ما اصولی‌تر و منظم‌تر به پیش رود.

ضمناً رفیق ضیاء همیشه یادآوری می‌کرد که:

« یک موضوع بسیار دردآور و آزار دهنده در حزب ما، عدم تطبیق دقیق، بر وقت و موثر فیصله‌های حزبی در تمامی سطوح تشکیلاتی حزب است. ما یا فیصله‌های حزبی را اصلاً تطبیق نمی‌نماییم، یا اگر تطبیق هم بنماییم، در وقت لازم و بطور دقیق و موثر تطبیق نمی‌نماییم. حزب ما معمولاً در طی ده سال گذشته قادر بوده است فیصله‌های اصولی، موثر و عالی‌ای را به عمل آورد، ولی به اندازه نصف آن هم در تطبیق عملی فیصله‌هایش موفق نبوده است.»

با تاسف که امروز نیز در عین موقعیت قرار داریم که فیصله‌های حزبی در وقت لازم و بطور دقیق و موثر تطبیق نمی‌گردد. این وضعیت بدان مفهوم است که بسیاری از رفقا تا هنوز توجه جدی به اساسنامه حزب نداشته و یا ندارند؛ توجه جدی به اساسنامه ما را قادر می‌سازد تا از یک طرف فیصله‌ها را به موقع اجرا کنیم و از سوی دیگر سازمان منضبطی از انقلابیون حرفه‌ای تربیت نمائیم.

در گذشته تلاش بر این بود تا این هسته رهبری کننده حرفه‌ای در قالب دفتر سیاسی کمیته مرکزی گسترش بیشتری پیدا کند تا به سطح یک سازمان انقلابیون حرفه‌ای ارتقاء یابد؛ سازمانی که به نحو استوار در رأس رهبری حزب قرار داشته باشد. اما این تلاش تا کنون مثمر ثمر واقع نشد، چرا؟ زیرا فعالیت‌های مبارزاتی حزب از لحاظ تئوریک و پراتیک در آن سطحی قرار نداشت که چنین زمینه‌ای را فراهم نماید.

برای این که ما به نحو شایسته بتوانیم از عهده این کار برآئیم باید سعی گردد تا سطح دانش سیاسی رفقا بالا رود. برای بالا بردن سطوح علمی سیاسی لازم و ضروری است که رفقا در بخش‌های فلسفه، اقتصاد سیاسی و سوسیالیسم علمی آثار رهبران پرولتاریا و اسناد حزبی شان را بطور منظم مطالعه نمایند.

گسترش حزب مستلزم گسترش فعالیت‌های مبارزاتی توده‌ی حزب است. بنابراین ما باید فعالیت‌های مبارزاتی توده‌ی حزب را بیش‌تر از پیش و به نحو وسیعی گسترش دهیم و در تبعیت از آن تشکیلات حزب را نیز وسعت بخشیم، تا قادر گردیم سازمان انقلابیون حرفه‌ای حزب را وسیع‌تر، مستحکم‌تر و متمرکزتر بسازیم. این وسیع سازی سازمان انقلابیون حرفه‌ای رهبری کننده حزب می‌تواند در حال حاضر شامل اعضای دفتر سیاسی حزب و تلاش به عمل آید تا شامل تمام اعضای کمیته مرکزی حزب یا لاقلاً تعداد معینی از این رفقا گردد.

2 - در مورد کمیته‌های منطقه‌ای:

کمیته‌های منطقه‌ای حزبی در حقیقت نماینده کمیته مرکزی و هدایت کننده فعالیت‌های تیوریک و پراتیک حزب در منطقه اند، لذا کمیته‌ها مکلف به عملی نمودن فیصله‌های کمیته مرکزی و دفتر سیاسی اند. با توجه به این امر باید که تمام فعالیت‌های شان را تحت رهبری کمیته مرکزی حزب فعالانه هدایت نمایند، و گزارشات کاری شان را منظمأ به دفتر سیاسی ارسال کنند. حال که صحبت از گزارش‌دهی به میان آمد بد نیست مختصراً در این مورد هم صحبتی داشته باشیم:

در اساسنامه حزب قید گردیده که سطوح مختلف رهبری حزب و سطوح مختلف تشکیلاتی حزب باید به سطوح بالاتر رهبری و تشکیلاتی حزب گزارشات خود را به طور منظم ارائه کنند. هرگاه سطوح مختلف رهبری و سطوح مختلف تشکیلاتی حزب به سطوح بالاتر گزارشات خود را بطور

منظم و به وقت معین ارائه نکنند و این گزارشات به دفتر سیاسی حزب نرسد آیا امکان دارد که دفتر سیاسی رهنمودهای لازم را به سطوح مختلف رهبری و تشکیلاتی حزب منظم و بر وقت معین ارائه نماید؟ ابداً!

وقتی گزارشات به وقت معینه به دفتر سیاسی حزب نرسد و دفتر سیاسی نمی‌تواند که رهنمودهای لازم را به وقت معینه به سطوح مختلف حزب ارائه نماید؛ بناءً به درجات مختلف هرج و مرج در صفوف حزب به وجود می‌آید چه بسا که پاسیفیزم بر بدنه حزب مسلط می‌گردد. ما این تجربه را به خوبی در سال‌های گذشته مشاهده نمودیم. عدم گزارش‌دهی در مورد خراب کاری‌های خُلافت باعث آن گردید که به حزب ضربات پی‌درپی وارد گردد؛ چنانچه رفیق ضیاء این ضربه را خطرناک تر از ضربه اشغال‌گران امپریالیست و رژیم پویشالی توصیف نموده است. این تجارب تلخ نباید دیگر تکرار گردد. این زمان امکان پذیر است که رفقا گزارش‌دهی و گزارش‌گیری را مسئولیت مبارزاتی خود بدانند.

عدم گزارش‌دهی و گزارش‌گیری جلوه دیگری از عدم استحکام حزب را می‌رساند. زیرا سیستم گزارش‌دهی و گزارش‌گیری حیثیت سیستم دوران خون در بدن را دارد. هرگاه سیستم دوران خون به صورت درست کار نکند، انسان مریض می‌گردد و حتی بخشی از بدن را فلج می‌سازد. عدم رسیدگی به سیستم دوران خون باعث از کار افتادن دماغ و قلب نیز می‌گردد و انسان را به طرف مرگ می‌کشاند. تجارب حزب ما به خوبی نشان داده که هر کمیته حزبی که گزارش‌دهی و گزارش‌گیری منظم نداشته؛ پاسیف شده و بالاخره فلج گردیده است

بناءً ضروری است که کمیته‌های منطقه گزارشات دو ماهه واحدهای حزبی منطقه‌یی شان را به صورت منظم در اختیار دفتر سیاسی قرار دهند؛ تا رهنمودهای لازمه مرتبط به این گزارشات را توسط دفتر سیاسی منظم دریافت نمایند.

بناءً موضوع گزارش‌گیری و گزارش‌دهی منظم در حزب یک موضوع مرگ و زندگی است؛ رفقا باید جداً تلاش نمایند که چنین سیستمی را در حزب به وجود آورده و بطور روزافزون استحکام بخشند.

در صورتی که کمیته‌های منطقه‌ای فعالانه کار و پیکار نکنند؛ سیستم گزارش‌دهی و گزارش‌گیری را منظم نسازند مبارزات حزب در این مناطق با رکود مواجه می‌شود.

پُلنوم چهارم دور سوم کمیته مرکزی بعد از جر و بحث روی موثر ساختن کمیته‌های منطقه‌ای به این فیصله رسید:

1. برای اینکه کمیته‌های منطقه فعال گردند، در قدم اول باید فعال ترین کادرهای حزب در منطقه در کمیته منطقه گرد آیند.
2. در شرایط کنونی تعداد اعضای کمیته منطقه از سه نفر کمتر و از پنج نفر بالاتر نباشد. و در جلسات باید منظم شرکت نمایند و منظم گزارشاتی از جلسه خود داشته باشند تا در اخیر هر دو ماه به دفتر سیاسی ارسال کنند.
3. کمیته‌های منطقه‌ای در پهلوی این که هدایت کننده فعالیت‌های حزب در مناطق اند باید به آموزش مائوئیستی توجه کافی بنمایند.

هر یک از رفقا باید که ماتریالیزم دیالکتیک و تاریخی، تاریخ سه انترناسیونال و بسیاری از اسناد و آثار بنیان‌گذاران سوسیالیزم علمی را از قبیل "لودویک فویرباخ و پایان فلسفه کلاسیک آلمان"، "انتی دورینگ"، "منشاء خانواده، مالکیت خصوصی و دولت"؛ "نقد برنامه گوتا"، "کاپیتال"، "دو تاکتیک سوسیال دموکراسی در انقلاب دموکراتیک"، "چه باید کرد" - "یک گام به پیش دو گام به پس" - "امپریالیزم به مثابه بالاترین مرحله سرمایه داری" - "دولت و انقلاب"، "نقدی بر اقتصاد شوروی"، "چهار رساله فلسفی" و "دموکراسی نوین"، "نمونه‌های از دیالکتیک" و ... را مطالعه کنند. در پهلوی این اسناد ضروری است که رفقا سند "زنده باد مارکسیزم - لنینیزم - مائوئیزم" را نیز مطالعه نمایند. مطالعه اسناد فوق‌الذکر به فهم و درک ما کمک می‌کند و ما را قادر می‌سازد تا تکاملات مارکسیزم را به مارکسیزم - لنینیزم و هم‌چنین تکاملات مارکسیزم - لنینیزم را به مارکسیزم - لنینیزم - مائوئیزم دقیق‌تر درک نمائیم.

3 - در مورد زنان:

ما در پُلنوم دوم دور سوم کمیته مرکزی نتایج بی‌رمق بودن کار در میان زنان را به طور خلاصه چنین ارزیابی نمودیم:

«پُلنوم دوم دور سوم کمیته مرکزی حزب بی‌رمق بودن کار در میان زنان و دختران را مربوط به بی‌بند و باری عیاش مشربانه خُلافت در مورد زنان در طول دوران حیات مبارزاتی او در حزب و گذشت‌های بی‌مورد و غیر اصولی حزب و عدم برخورد قاطع و عدم اقدامات انضباطی حزب در برابر وی می‌داند.»

گرچه واقعاً عمل کرد خُلافت در طول دوران مبارزاتی‌اش باعث ریزش‌های در میان زنان و حتی فروپاشی بخش تشکیلات زنان گردید، رفیق ضیاء ضربه خُلافت را در مقاله «مطالبی در مورد جوانب قضیه رفیق زلاند» این گونه بررسی می‌نماید:

« ضربه‌ای که امروز از طرف زلاند متوجه حزب و فروپاشی کتلوی بخش زنانه حزب گردیده، به جرأت می‌توان گفت که در ظرف چندین سال اشغال‌گران و رژیم پوشالی نتوانست و نمی‌توانست چنین ضربه‌ای به حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان وارد سازد.»

اما در این مورد حزب هم نتوانست مسئولیت‌هایش را انجام دهد. اولاً این که در چندین مورد مشابه عمل کرد غلط و تخریب کارانه خُلافت سکوت نمود و در مبارزات ایدئولوژیک - سیاسی درون حزبی ضعف نشان داد و هیچ اقدامات انضباطی روی دست نگرفت تا بالاخره در حرکت اخیر که باعث فروپاشی تشکیلات زنان شد، اقدامات انضباطی را در مورد وی اجرا نمود، این وقتی بود که کار از کار گذشته بود و فقط یک نفر مخرب از حزب اخراج گردید. رفیق ضیاء در همان مقاله به این امر چنین معترف است:

«این انحراف بار بار تکرار گردیده است و از طرف دیگر این تکرار، حداقل از یک جهت زمینه مساعد برای تداومش را در سستی و ضعف مبارزه ایدئولوژیک - سیاسی و هم چنان سستی و ضعف اقدامات انضباطی یافته است.»

ثانیاً رفقای ما در جلب و جذب زنان با احساس مسئولیت برخورد نکردند و حتی بسیاری از رفقا نتوانستند در درون خانواده‌های خود کار کنند. این دو مسأله دقیقاً چالشی بر سر راه ما قرار داد.

رفقای ما باید جداً این کرحتی و بی حالی را بر هم زده و با درس‌آموزی از تجارب گذشته برای جلب و جذب هرچه بیشتر زنان مجدانه تلاش نمایند. زیرا از یک‌سو با قدرت رسیدن دوباره طالبان توسط امپریالیست‌ها به رهبری امپریالیزم امریکا بیشترین ضربه و زیان را زنان دیده‌اند؛ و از سوی دیگر زنان یک جزء مهمی از نیروی انقلاب اند. بنأء و به قول لنین هیچ انقلابی بدون شرکت زنان به پیروزی نمی‌رسد. لذا باید نه تنها به استحکام حزب؛ بل که به گسترش حزب و به خصوص در میان زنان نیز عطف توجه نماییم.

در مورد سیاست حزب ما برای گسترش تشکیلات حزب چه می‌توان گفت؟ آیا رفقا تا حال این سوال را از خود پرسیده‌اند که سیاست حزب مائوئیستی برای گسترش تشکیلات حزب مبتنی بر اعتماد به توده‌ها اعم از زنان و مردان و در عین حال احتیاط شدید در مورد عوامل دشمنان انقلاب است؟ ما باید این سیاست را در همه جا، از درون خانواده‌ها گرفته تا عرصه‌های مختلف اجتماعی محکم بدست بگیریم و برای گسترش تشکیلات حزب بکوشیم. مشکل اساسی حزب ما در شرایط کنونی این است که اکثریت اعضای حزب ما یا برای گسترش تشکیلات حزب در میان جوانان (مردان و زنان) کاری انجام نمی‌دهند، و اگر کاری هم انجام می‌دهند خیلی بی رمق اند. یا این که بر خلاف گذشته در مورد عوامل دشمنان انقلاب زیر نام مخفی کاری آن قدر احتیاط می‌کنند که به پاسیویته می‌افتند.

رفقا باید بدانند که ما از یک‌سو باید برای گسترش حزب در میان توده‌ها اعم از زنان و مردان به طور جدی کار کنیم و از سوی دیگر در مورد عوامل دشمنان انقلاب محتاط باشیم. یا به عبارت دیگر اصول مخفی کاری را طبق اساسنامه حزب مدنظر قرار دهیم. هم در این موارد هم در مورد نقش زنان در انقلاب؛ هم در کنگره‌ها و هم در پُلنوم‌ها و هم در جلسات دفتر سیاسی بحث و تبادل نظر نمودیم و صریحاً بیان کردیم که زنان نصف پیکره جامعه را می‌سازند و در شرایط کنونی به بدترین وجه زیر ستم طالبانی قرار گرفته‌اند. بدون حضور زنان در مسایل سیاسی؛ هیچ انقلابی به پیروزی نمی‌رسد. لذا باید رفقا در این مورد عطف توجه نمایند. ما در دو جلسه دفتر سیاسی مکرراً اظهار نمودیم که:

«آن عده از رفقای زن که در گذشته در خط انقلابی قرار داشتند و فعلاً نظر به هر دلایلی فاصله گرفته‌اند (به شرطی که منحرف نشده باشند) با آن‌ها تماس برقرار شود و به جلب و جذب شان به پردازیم.» در گام دوم باید به سراغ دیگر زنان جامعه با تحلیل اوضاع و شرایط کشور رفت.

رفقای ما به این امر به خوبی آگاهی دارند که بعد از به قدرت رسیدن دوباره طالبان توسط اشغال‌گران امریکایی و به خصوص بعد از رفقای ما، برای ما محدودیت‌های ایجاد شده است، و بسیاری از رفقا تا حدودی غیرفعال گردیده‌اند، ما باید این حالت کرحتی را برهم زده و شور و شوق انقلابی را ایجاد نماییم. گرچه این شرایط محدود و احتناق‌آور گردیده است؛ اما این شرایط محدود در بطن خود شرایط مساعدی را نیز ایجاد نموده است. امروز نیمی از پیکر جامعه (زنان) از فعالیت سیاسی و اجتماعی محروم مانده و حتی تمام حقوق اجتماعی از آن‌ها گرفته شده است. اکثریت این زنان درک نموده‌اند که شعار اشغال‌گران امریکایی در مورد زنان یک شعار پوچ و میان‌تهی بیش نبوده است. امروز زنان افغانستان به مبارزه علیه ستمی که بر آن‌ها اعمال می‌گردد برخاسته‌اند. این امر نیکی است؛ برای سمت و سو دادن مبارزات زنان در مسیر خط انقلابی باید جداً تلاش نماییم. امروز اقلیت‌های ملی - مذهبی و به خصوص میلیت هزاره به بدترین شکل محدود گردیده و سرکوب می‌شوند، آن‌ها نیز از این وضعیت ناراض اند و گاه و بی‌گاه صدای اعتراض شان را بلند می‌کنند؛ در بقیه موارد نیز موضوع همین گونه‌اند. امروز طالبان تلاش می‌ورزند تا صدای آزادی

خواهی را در گلو خفه کنند؛ به این ملحوظ فعالیت نسل جوان را کاملاً محدود ساخته و رسانه‌ها را کاملاً تحت سانسور بسیار شدید قرار داده اند. از این وضعیت همه افراد جامعه به شمول مشت ناچیز و خود فروخته رضایت ندارند. و به همین ترتیب برای جوانان نیز محدودیت‌هایی ایجاد شده است. ما باید از این جو ایجاد شده برای گسترش حزب در میان نسل جوان کشور (اعم از زنان و مردان) به خوبی استفاده کنیم.

4 - در مورد کمیته روابط بین‌المللی:

جمع‌بندی پُلنوم از فعالیت مبارزاتی کمیته روابط بین‌المللی حزب چنین است: 1 - به روابط بین‌المللی توجه جدی نموده، از یک‌طرف روابط بین‌المللی را تأمین نموده و از طرف دیگر به موقع با احزاب مائوئیستی توانسته تبادل نظر نماید. 2 - نه تنها برای افشا ساختن چهره انحلال طالبان خزیده در درون حزب تلاش نموده؛ بل که چهره رویزیونیست‌های آواکیانی وطنی را نیز به نحو احسنی فاش ساخته است. 3 - کمیته روابط بین‌المللی حزب تلاش نموده تا اسناد ضروری حزب را به انگلیسی و اسناد احزاب مائوئیست را به دری ترجمه نماید. 4 - کمیته روابط بین‌المللی حزب برای ایجاد یک مرکز بین‌المللی کمونیستی (مارکسیستی - لنینیستی - مائوئیستی) در حد توان خود تلاش نموده است.

پُلنوم چهارم دور سوم کمیته مرکزی حزب در مورد ارتباط‌گیری بیش‌تر حزب در سطح احزاب بین‌المللی تأکید نمود تا هرچه بیشتر این ارتباطات گسترده‌تر گردد، تا باشد از این طریق به مبارزات ایدئولوژیک - سیاسی میان احزاب مائوئیست جهان دامن زده و مبارزات دو خط در سطح بین‌المللی را به پیش برد.

حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان به صورت جدی طرفدار پیش‌برد مبارزات دو خط ایدئولوژیک - سیاسی فعال میان احزاب و سازمان‌های مائوئیست مختلف جهان می‌باشد. بدون در نظر داشت مبارزه دو خط در سطح بین‌المللی فعالیت‌ها شکل میکانیکی را به خود اختیار می‌کند.

هدف از مبارزات دوخط در سطح بین‌المللی عبارت از مبارزه علیه خطوط انحرافی بر سر "اندیشه گونزالو"، "راه پاراچندا" و "سنتزهای نوین اواکیان" است که به علت کم توجهی احزاب و سازمان‌های مائوئیست جهان در مبارزات ایدئولوژیک - سیاسی توانسته تا حدودی میان احزاب و سازمان‌های که جدیداً به صفوف جنبش مائوئیستی پیوسته اند جای پا پیدا نماید.

حزب ما قاطعانه باور دارد که این مبارزات باید از طریق یک مرکز بین‌المللی کمونیستی (مارکسیستی - لنینیستی - مائوئیستی) به شکل درونی با احزاب و سازمان‌های مائوئیست مختلف جهان، به پیش برده شود. اگر این مبارزه مسئولانه در سطح بین‌المللی توسط احزاب و سازمان‌های مائوئیست کشورهای مختلف جهان پیش برده شود ما یقین کامل داریم که به یک وحدت فکری در سطح جنبش بین‌المللی جهان نایل خواهیم آمد.

5 - در مورد مسایل مالی حزب:

پُلنوم چهارم دور سوم کمیته مرکزی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان مشکلات مالی حزب را بعد از جر و بحث‌های زیاد این گونه بررسی نمود:

عدم پرداخت حق‌العضویت و یا پرداخت نامنظم آن مشکلات مالی حزب را به وجود آورده است. در حالی که رفقا به خوبی می‌دانند که حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان یگانه حزب سیاسی در افغانستان است که متکی به حق‌العضویت‌ها و کمک‌های مالی رفقا است. حزب استفاده از منابع پروژه‌های امپریالیستی را به شدت رد می‌کند و آن را خلاف اساسنامه حزب می‌داند. هرگاه حق‌العضویت‌ها و سایر مکلفیت‌های مالی توسط اعضای حزب به موقع و منظم پرداخت نگردد نه تنها که حزب را به درجات مختلف در مضیقه مالی قرار می‌دهد و به شدت فعالیت‌های تبلیغی و ترویجی را ضربه می‌زند؛ بل که بی انضباطی حزبی تلقی شده و یکی از شروط عضویت رفقا را خدشه دار می‌کند. این حرکت عملاً از لحاظ ایدئولوژیک - سیاسی در تخالف با روحیه اتکا با خود قرار داشته و مبارزه علیه وابستگی را کاهش می‌دهد.

به تمام کمیته‌های منطقی ابلاغ می‌گردد تا مسأله حق‌العضویت‌ها را منظم نماید و رفقا هم مکلفیت دارند تا مقروضیت خویش را به پردازند. کمیته‌های منطقی مکلفیت دارند که 50 فیصد پول جمع‌آوری شده حق‌العضویت‌ها را به کمیته مالی مرکزی ارسال کنند و 50 فیصد را مصارف کمیته شان نمایند.

6 - در مورد مبارزه ایدئولوژیک - سیاسی علیه خطوط انحرافی:

پلنوم چهارم دور سوم کمیته مرکزی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان مبارزات حزب علیه خطوط انحرافی را موفقانه توصیف نمود که خلاصه آن مختصراً بیان می‌گردد:

حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان نه تنها در زمان حیات رفیق ضیاء صدر حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان علیه خطوط انحرافی تسلیم طلبان و تسلیم شدگان به طور اصولی، منظم و متواتر مبارزه نمود و چهره‌های تسلیم‌طلبانه‌شان را افشاء کرد؛ بل که بعد از درگذشت رفیق ضیاء نیز این مبارزات را به صورت درست و اصولی پیش برد. اولین اقدام مبارزاتی؛ مبارزه حزب علیه انحلال طلبان خزیده در درون حزب بود که بعد از درگذشت رفیق ضیاء سر بلند نمود. در اثر همین مبارزات بود که حرکت‌های انحلال طلبانه منحرفین خزیده در درون حزب خنثی گردید و حتی تعداد زیادی از اعضا و روابط دموکراتیک که فریب انحلال طلبان را خورده بودند دوباره به حزب پیوستند. و انحلال طلبان در سطح بین‌المللی نیز منزوی گردیدند. حزب به درستی توانست که اساسنامه سازمان رهائی را نقد نماید؛ و انحرافات عمیق ایدئولوژیک — سیاسی شان را نشانی نموده و به نقد همه جانبه آن به پردازد و هم چنین؛ انحرافات، دروغ و جعل در نوشته شیر آهنگر ("محفل هرات...") را نشان دهد. و به تعقیب آن علیه رویزیونیست‌های وطنی یعنی دنباله روانان رویزیونیزم آواکیان (جنبش حرکت برای تغییر) مبارزات را به صورت پی‌گیر ادامه دهد. این مبارزات علاوه بر این که در شماره های مختلف شعله جاوید دور پنجم به نشر رسیده؛ بل که به صورت جزوات جداگانه نیز در ویب‌سایت حزب منتشر گردیده است.

....

.....

توضیحات شعله جاوید:

1 - برای رهبری صحیح نیاز کامل به گزارش‌دهی و گزارش‌گیری به موقع آن می‌باشد. هرگاه ما رهبری حزب را از جریان و حوادث بدور نگه‌داریم و در شرایط معین و به موقع گزارش ندهیم به معنای آنست که ما عمداً رهبری را در تاریکی نگه‌داشته ایم. علاوه بر این که رهبری نمی‌تواند فیصله درست و اصولی نماید، بل که به تصویب فیصله‌های نادرست خواهد رسید. چنانچه این مسأله بارها در حزب ما اتفاق افتاده است. تاریخ حزب ما شاهد و گواه آنست هر منطقه‌ای که به وقت معین توانسته گزارش دهد و گزارش بگیرد کارها در آن منطقه بهتر و یا با نواقص کمتری انجام شده است. مناطقی که این امر را از نظر دور داشته بارها دچار مشکلات گردیده؛ و حزب را نیز به مشکل انداخته است. هر کمیته منطقه باید هر دو ماه گزارش کاری خود را به صورت مفصل به دفتر سیاسی ارسال نماید.

2 - زمانی که از طرف حزب به رفقا وظیفه ای داده می‌شود باید با شور و شوق انقلابی آن را انجام دهند اگر رفقا وظیفی که به ایشان سپرده می‌شود با بی‌اعتنائی از کنار آن بگذرند و یا این که غفلت نمایند. حزب ما از همین حالتی که دارد عقب تر خواهد رفت. همه اعضای حزب باید به کار تشکیلاتی حزب سخت کوشا باشند، زیرا بدون تشکیلات منظم و مستحکم رهبری توده‌های زحمت‌کش غیر ممکن است.

هرگاه مسایل فوق را رفقا در نظر نگیرند به محض این که شرایط یک اندازه حادثر گردد، حزب ما به مشکلات عدیده دچار خواهد گردید و نخواهد توانست که از وقوع ضربات جلوگیری کند. چنانچه ما این موضوع را در سال 1400 خورشیدی با رفقا به خوبی تجربه نمودیم. برای این که برای بار دوم به این مصیبت نیفتیم؛ باید که مسایل فوق‌الذکر را به نحو درست اجرا نماییم.

3 - یک حزب کمونیست واقعی باید رهبران زیادی در سطوح مختلف داشته باشد که در سطوح مختلف کارهای فکری و عملی انجام دهند. زیرا رهبر به تنهایی نمی‌تواند که تمام خصوصیات انقلابی و ایجاد جامعه نوینی که ما برایش مبارزه می‌کنیم در خود جمع نموده و توده‌های زحمت‌کش را به طرف جامعه نوین هدایت نماید.

در شرایط کنونی که جو و اختناق طالبانی فضا را مسموم نموده هرگاه به‌خواهیم مبارزات خلق‌های زحمت‌کش را علیه امارت اسلامی و حامیان امپریالیست‌شان رهبری کنیم؛ نیاز به تقویت رهبری جمعی داریم. پس باید آن‌چه در توان داریم برای تربیت کادرها چه اعضای قدیمی و چه اعضای جدید به خرج دهیم. هر گاه ما به این کار موفق شویم به هیچ وجه دشمن نمی‌تواند حزب را نابود کند؛ ممکن یک یا دو نفر از اعضای رهبری حزب ضربه بخورند؛ اما حزب به فوریت جای خالی شان را پر خواهد نمود و خط مطروحه حزب را به جلو خواهند برد.

به همین خاطر است که در حزب رهبری جمعی و مسئولیت فردی است. رهبری جمعی به معنای جمع افراد منفرد نیست، بل که عبارت از افرادی است که زندگی خویش را وقف بی‌دریغ مبارزه در جهت تامین منافع توده ها و ایجاد جامعه نوین نمایند. افرادی که روحیه شکست‌ناپذیر و

توانمندی رهبری توده‌های خلق را در امر انقلاب داشته باشند. رهبرانی که بتوانند در هر شرایط اهداف استراتژیک را در رأس پراتیک اجتماعی قرار داده و به طور موثری حزب را طوری رهنمائی نمایند که از خط خارج نشود و با تحلیل مشخص از اوضاع مشخص به نفع انقلاب سود جوید.

رفقا!

جامعه ما به رهبران انقلابی زیادی نیازمند است. پس باید آنچه که در توان داریم از این راه دریغ نکنیم. در این مسیر نباید که خسته شد و یا ترس را به خود راه داد. رفقای که در این راه خسته شده و یا ترس بر آن‌ها غلبه نموده است؛ می توانند با غلبه بر خستگی و ترس دوباره توان انقلابی خویش را باز یابند.

ما یقین کامل داریم کسانی که هنوز اعتماد خویش را به توده‌ها از دست نداده و بر مبنای ماتریالیسم دیالکتیک استوارند، اگر حرکتی به خرج دهند مسیر از دست رفته خویش را باز خواهند یافت.

در اخیر در مورد کارزار روز 13 میزان و هفتم قوس سال جاری پلنوم به این فیصله رسید که تجلیل از روز بنیان‌گذاران جنبش مارکسیستی - لنینیستی - مائوئیستی و جنبش دموکراتیک نوین طبق روال سال گذشته؛ تجلیل گردد.

حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان از تمامی سازمان‌ها و نیروهای مائوئیست کشور می‌خواهد که این روز را در یک هم‌آهنگی هر چه با شکوه‌تر تجلیل نمایند.

کمیته مرکزی حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان

دوم سنبله 1403 خورشیدی

23 آگست 2024 میلادی

www.cmap.io

sholajawid@cmap.io || sholajawid2@hotmail.com